



«شماره ۲۲۱»
۲۲ بهمن ۱۴۰۲

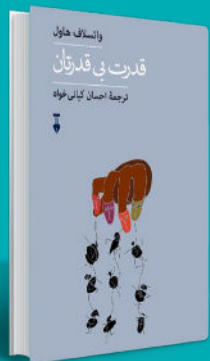
معرفی کتاب

قدرت بی قدرتان
نویسنده: واتسلاف هاول

قدرت بی قدرتان اثر ماندگار و خواندنی واتسلاف هاول، متفکر، نویسنده، هنرمند و سیاستمدار چکسلواکی است که در سال ۱۹۷۹ منتشر شده است. هاول در این کتاب خود به شرح و بسط نظام توتالیتر و پساتوتالیتر و ویژگی‌های آن می‌پردازد و شرایط اجتماعی و زندگی مردم را تحت چنین حکومت‌هایی توضیح می‌دهد. او همچنین دلایل به قدرت رسیدن حکومت‌های توتالیتر و افول و نابودی آن‌ها را نیز شرح می‌دهد. هاول اصطلاح پساتوتالیتر را برای توصیف حکومت چکسلواکی ابداع می‌کند.

هاول معتقد است چنین نظامی نمی‌تواند دوام زیادی داشته باشد و در نهایت با اعتراض‌ها و جنبش‌های مردمی فرو می‌ریزد. آن هم نه به دست آدم‌های قوی و با قدرت؛ بلکه درست توسط بی قدرتان!

هاول در این قسمت درباره‌ی مردمی صحبت می‌کند که در چنین حکومتی زندگی می‌کنند؛ مردمی که مجبورند هر روز به نوعی اطاعت و سرسپردگی خود را به حکومت ابراز کنند. هاول می‌گوید اما درست در همین‌جا بی قدرتان قدرت واقعی خود را نشان می‌دهند: با «نه گفتن» به تمام آن کارهایی که در زندگی روزمره انجام می‌دادند و ...



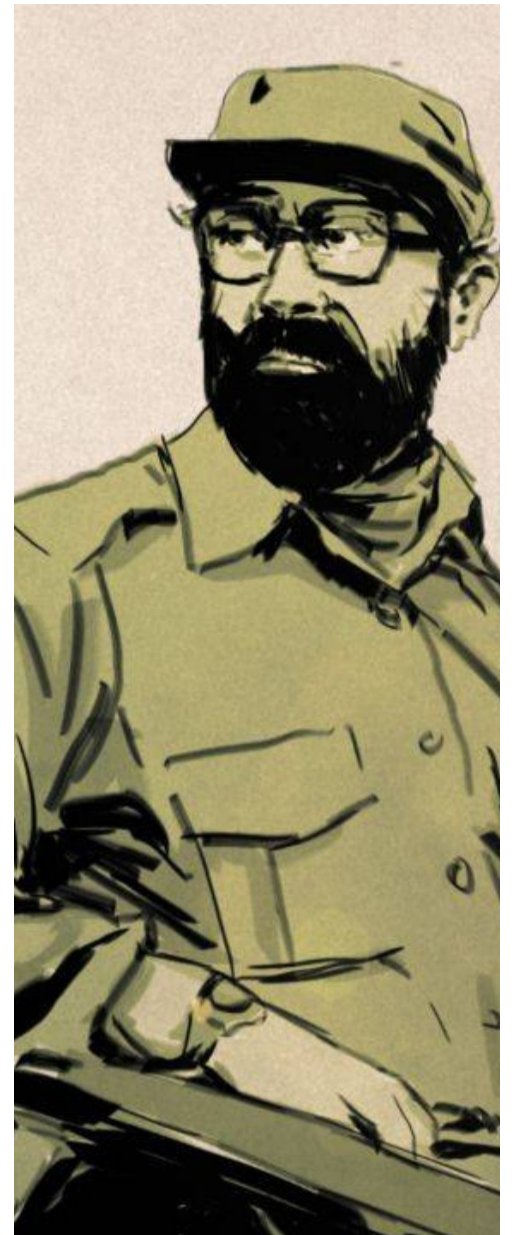
که آن مطلب چاپ شود. در نشریات دانشگاهی رعایت این اصول ابتدایی مهم‌تر هم می‌شود. زیرا نویسندگان دانشجو است، پراز انگیزه، پراز اشتیاق، پراز انرژی برای ساختن فردایی بهتر، حالا ممکن است کمی کله‌اش هم داغ باشد! اما برخورد نامتعارف با یک دانشجو، یعنی نابود کردن یک پتانسیل، یک کوه انرژی، یعنی به حاشیه راندن یک جریانی که حتی در این اوضاع هم حاضر است بجنگد، بجنگد برای فردایی بهتر! و خوب تیم سابق فرهنگی دانشگاه، با تمام انتقاداتی که به آنها بود، به طور کامل این بدیهیات را می‌دانست، برای همین هم برخورد با نویسندگان، هیچ وقت جز گزینه‌هایش نبود.

خاطریم هست وقتی قرار بود مسئولیت معاونت فرهنگی به استاد دیگری واگذار شود، از ما هم نظر پرسیدند. ما هم که همه اساتید را نمی‌شناختیم، از تقوا دور بود نظر بدهیم، از بقیه که قبولشان داشتیم می‌پرسیدیم که حداقل بدانیم در آینده، تشکل با چه کسانی کار خواهد کرد. اما هیچ وقت در پرس و جوهایمان، دغدغه بدیهیات نداشتیم! یعنی خاطریم نیست که از کسی پرسیده باشم که «آقای دکتر، دکتر، فلانی گزینه معاونت فرهنگی هستند. به نظر شما ایشان بدیهیات کار فرهنگی کردن در فضای دانشجویی را می‌دانند؟» بدیهیات بود دیگر! پرسیدنش برای خودمان هم کسر شان بود. مگر می‌شد تفاوت کار فرهنگی کردن در فضای دانشجویی را با کار فرهنگی کردن در فضای بسیج محلات ندانند؟ خوشبین بودیم به این تغییرات و امیدوار به آینده. ولی خوب، امروز که نگاه می‌کنیم، ظاهر می‌شد، و ظاهراً باید می‌پرسیدیم!

از چمران پرسیدند که تقوا مهم تر است یا تخصص؛ گفت تقوا، ولی اگر کسی که تخصص کاری را ندارد آن را بپذیرد، بی تقواست. معیار تقوا که خداست، ولی کاش کسی از شهید عزیز ما می‌پرسید که تکلیف خود متخصص پندارها چیست؟ شاید شهید ما راه حلی برای یکی از بزرگترین مشکلات این روزهای جمهوری اسلامی هم داشت!

گذرانده باشیم! خاطریم هست که یکی از همین برنامه‌ها بود که اولین بار کمی نگاه من را نسبت به تشکل‌های دانشگاه عوض کرد. تریبون آزاد، آن هم روبروی ایثار! نه اینکه تریبون آزاد چیز خاصی باشد؛ نه، ولی خوب برای یک ترم اولی جالب بود که فضایی وجود داشت که هر کسی می‌توانست برود پشت بلندگو و هر چه راجع به دانشگاه در دل تنگش هست، آن هم جلوی معاون دانشجویی و نماینده نهاد رهبری، بگوید. همان موقع بود که فهمیدم انگار قصه تشکل‌ها در این دانشگاه فرق می‌کند. انگار تشکل یک چارچوب و قاعده‌ای بود که هم در ساختار هست و هم می‌تواند حرف بزند. شاید اسفند ۹۶ اوج وجود این آزادی برای تشکل‌ها بود. وقتی که در نشریه تسنیم متنی تند در نقد معاونت پژوهشی وقت، مرحوم خانم دکتر کیاسالاری به چاپ رسید. نقدی که به اعتقاد خود من هم که آن موقع دبیر دانشکده فنی انجمن بودم، می‌توانست کمی نرم‌تر باشد و شاید زیادی تند بود. به دانشگاه هم گران آمده بود، چون خاطریم هست که حدود دو سال بعد، که دبیر تشکیلات بودم، در جلسه شورای فرهنگی هنوز گفته می‌شد که آن نقد تند و به دور از انصاف بود و من هم در دفاع گفتم که بالاخره حرف بخشی از دانشجویان بود. این ویژگی تشکل دانشجویی است که پویاست و عمر مفید هر کس دو سال. پس نمی‌شود با حرف دو سال پیش امروزش را نقد کرد.

با همه این اوصاف، اما خاطریم نیست که مسئولین دانشگاه نویسندگان را احضار کرده باشند و هر چه نقد و اعتراض بوده به مدیر مسئول و دبیر انجمن منتقل می‌شد. اساساً رسانه مکتوب همین است، مسئولیت مطلبی که در آن چاپ می‌شود، با صاحب امتیاز، مدیر مسئول و در نهایت سردبیر است که معمولاً همگی تایید کرده‌اند



فکر نمی‌کردیم بدیهیات کار فرهنگی را ندانید!

محمد جواد مداح

از همان روزهای اول، یعنی تابستان ۹۵ که برای مصاحبه با به شاهد گذاشتم، یک چیزی معلوم بود؛ اینجا با بقیه‌ی جاها فرق می‌کند. کم کم از در و دیوار صدا می‌آمد که هیس، اینجا کسی حق اعتراض ندارد! من هم که یک اندک ترم ساده، مثل همه‌ی هم‌رزم‌هایم در سنگر اندک‌ترمی، اولش کمی کله‌ام باد داشت که «نه این چه حرفی است، ۱۸ سالمان است، بزرگ شده‌ایم هر کاری بخواهیم می‌کنیم؛ کسی چیزی نمی‌گوید.» مدتی گذشت و کسی هم چیزی نگفت، ولی ما هم دیدیم به قول نیما شعبان نژاد در برنامه خندوانه، هیچ خبری نیست. زندگی‌مان را می‌کردیم و در برنامه‌های دانشجویی شرکت می‌کردیم تا در چهار سال کارشناسی، کمی خوش هم

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

ستون حوادث:

جدی می‌فرماید؟!

۱) امتحانات هفتم بهمن ماه به پانزدهم بهمن انتقال یافت. در اواسط امتحانات به خاطر مبارک بزرگواران رسید که هفتم بهمن با مراسم اعتکاف تداخل دارد.

در شرح برنامه اعتکاف نهاد رهبری دانشگاه نوشته شده است خروج در روز هفتم بهمن به دلیل امتحانات **منع شرعی ندارد**، دانشگاه حکم فقهی را قبول نمیکند.

خلاصه اینکه ما در دویست سال قبل از میلاد مسیح زندگی میکنیم و الحمدلله تقویم هنوز اختراع نشده است!

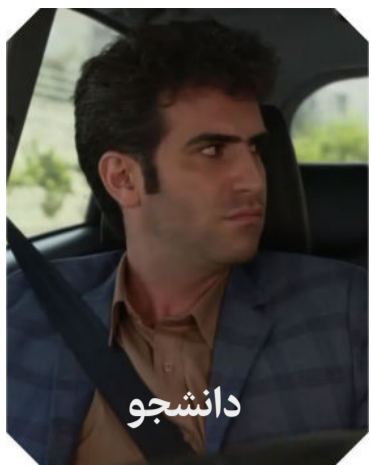
۲) در نشریه تسنیم نقدی به عملکرد نادرست نیروهای حراست نوشته شده است. دانشگاه محترم بجای برخورد با نیروی حراست با نویسندگان برخورد می‌کند. به جای اطلاع به مدیرمسئول نشریه و رعایت قانون و ساختار، سرخود عمل می‌کند.

ما در دوران قاجار زندگی میکنیم و الحمدلله مسئولین سواد خواندن قوانینی که خودشان نوشتند را ندارند!

۳) امتحانات پانزده بهمن تمام می‌شود، انتخاب واحد از پانزدهم شروع و تا نوزده بهمن ادامه دارد. اساتید نمره وارد نکرده‌اند و دانشجویی نمیتواند انتخاب واحد بکند.

ما حتی شبیه دانشگاه‌های صد سال پیش هم نیستیم برنامه ریزی هم نمی‌توانیم بکنیم.

۴) دانشگاه ما دانشگاه تراز انقلاب اسلامی است. + جدی می‌فرماید؟! پس ما اینارو از کجا آوردیم ...



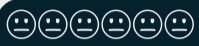
دانشجو

ولی من می‌خوام خودم انتخاب بکنم!

خودت اونی رو که ما می‌گیم انتخاب کن!

خب اینکه بازم انتخاب شماست!

نه، این انتخاب توعه که ما گفتیم!!



آموزش

کند انشالله که مشکلت حل شود. البته ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود، شما می‌توانید از بین اساتید دروس عمومی خود انتخاب کنید که تشریف می‌آورید سراغ گروه‌های دانشجویی و از تعدادی دانشجوی سال بالایی که از بد روزگار صابون بعضی اساتید به تنشان خورده پرس و جو می‌کنید و در اکثر مواقع هم با دو گزینه مواجه می‌شوید که اغلب انتخاب بین افضاح و خوب خواهد بود و بعید می‌دانم تشخیص اینکه کدام را برگزینید کار سختی باشد.

شاید از خودتان بپرسید مگر دانشگاه ما تهران نیست؟! (که البته نیست!) پس چرا از ظرفیت اساتید تهران استفاده نمی‌کنیم؟! چرا برای همه‌ی دروس استاد کم داریم؟! چرا حق انتخاب نداریم؟! چرا با اینکه خوب نبودن کلاس بعضی اساتید حتی برای در و دیوار کلاس هم عیان شده تغییری رخ نمی‌دهد و وضعیت باز هر ترم به همین شکل است؟! که خب باید بگویم همین است که هست اگر کسی اعتراض دارد می‌تواند از دانشگاه برود! خلاصه که توقف بیجا مانع کسب است، هرچه ارائه شد بردار بجایش هر شب توسل کن در طول ترم هم کمی درس بخوان شاید آن معدل زیبا تکانی خورد بزرگوار...

اما مسئولین محترم، ما حرف هایمان را به شوخی زدیم ولی خواهشاً شما شوخی نگیرید! آقایان این مشکلات، مشکلات امروز و دیروز نیست، مدت هاست که آش همین آش و کاسه همین کاسه است اگر مبنا انجام کار به روش صحیح است این رسمش نیست! نه تهران فاقد استاد است و نه دانشگاه فقیر! برای حل این مشکلات هم راه حل فراوان است و قطعاً شما خیلی بهتر از ما به آن واقفید. پس لطفاً به جای ظرفیت بندی دروس و تکرار روند خسته کننده و پراز ایراد انتخاب واحد فعلی چاره‌ای اساسی بیاندیشید در غیر این صورت بی‌زحمت شبیه همان ترم اول خودتان همه‌ی واحدها را انتخاب کنید بدهید دستمان ما را هم الکی با این بهستان عزیز نفرستید دنبال نخود سیاه!

والسلام علی من اتبع الهدی...

مناطق شمالی تهران (که شما هرگز آن را در لوکیشن دانشگاه خودمان نخواهید دید) تغییر کرده است. سخت نگیرید به هر حال بعضی اساتید به نمره دادن، بعضی دانشجویان به درس خواندن و بعضی مدیران گروه به برنامه ریزی مناسب اعتقاد چندانی ندارند!

راستی اگر روزی خواستید درسی را چون با استاد خوبی ارائه نشده بردارید و آن را به ترم های بعد موکول کنید تا شاید استاد برای ترم های بعد عوض شود باید بگویم که سخت در اشتباهید این اتفاق هر صد سال یک بار در شاهد رخ می‌دهد پس اشتباه نکنید و هرچه سریع تر این جام زهر را بنوشید و وقت ما و خودتان و آموزش و حتی خوانندگان محترم این متن را هم نگیرید که در این دانشگاه نود درصد دروس فقط با یک استاد ارائه می‌شوند و با رفت و آمد ترم ها هم اوضاع تغییری نخواهد کرد و مصداق عینی آش کشک خاله می‌باشد که در هر صورت باید میل کنید!؛ فلذا حتی المقدور با استادی لج نکنید و سعی کنید استادی با شما لج نکند باشد که رستگار شوید!

احتمالاً پیش خودتان بگویید که اوضاع آنقدرها هم وخیم نیست و هرچه در دروس تخصصی دستمان بسته‌است در عوض در دروس عمومی حق انتخاب داریم که باید بگویم کور خواندید! حتی اگر ترم های قبل این امکان را داشتید از این ترم دیگر خبری از این خوش‌گذرانی‌ها نیست! تمام شد آن دوران که سایت را باز می‌کردید و از بین دروس عمومی موجود انتخاب می‌کردید الان همه چیز از پیش تعیین شده است، شاید بپرسید چرا؟! که خب معلوم است! همه‌ی این‌ها برای راحتی من و شماست فقط کافست زاویه دیدمان را عوض کنیم، اصلاً چه معنی می‌دهد دانشجویی تصمیم بگیرد کدام عمومی را کدام ترم بردارد؟! همه چیز باید از پیش معلوم شده باشد و حتی عمومی‌ها را هم مسئولین زحمت کشیده‌اند از قبل تعیین کرده‌اند تا ما راحت باشیم! حالا اگر این وسط کسی عمومی‌ها را طبق برنامه‌ای که قبلاً گفته شده بود برداشته مشکل خودش است برود دخیل ببندد، نذر

انتخاب واحد، واگی یا کیک؟!

فاطمه نام آور

اصولاً واژه‌ی انتخاب زمانی معنا پیدا می‌کند که شما از بین چند گزینه یکی را برگزینید و دیگری را رد کنید که قطعاً در انتخاب واحدهای ما این اتفاق رخ نمی‌دهد زیرا که بین برداشتن یک درس در یک روز و ساعت و با یک استاد خاص و برداشتن آن درس، گزینه دیگری ندارید و بطور خودکار گزینه برداشتن حذف می‌شود چون تست‌های کنکور را که الکی قلع و قمع نکردید تا به دانشگاه مشرف شوید که واحد‌ها را پاس نکنید! بنابراین کلاً یک گزینه روی میز است و شما طی یک پروسه پیچیده آن را انتخاب می‌کنید. حال این سوال پیش می‌آید که چرا می‌گوییم پروسه پیچیده؟! مگر نه اینکه در اکثر مواقع یک گزینه پیش روست پس چرا انتخابش پیچیده است؟! جانم برایتان بگویم پیچیده است چون شما برای برداشتن همان تک گزینه، بیکر مرحوم جدتان در می‌آید! زیرا یا آن درس با استادی ارائه شده که در طول ترم شما را رنده می‌کند آخرش هم با التماس دوازده می‌دهد که پیشاپیش تسلیت عرض میکنم و یا با استاد محبوبتان ارائه شده ولی با بقیه دروس تداخل زمانی دارد یا با بقیه دروس تداخل زمانی ندارد ولی روز امتحانش با امتحان دیگری یکیست که در این صورت در ایام امتحان روحتان شاد و یادتان گرامی خواهد شد! البته شرایط دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه هم درس با استاد خوبی ارائه شده هم روز و ساعتش با برنامه‌تان جوراست و هم امتحانش با امتحان دیگری تداخل ندارد و اوضاع کاملاً بر وفق مراد است و شما با شادمانی خیز برمی‌دارید تا آن واحد را بردارید که ناگهان در سایت با این پیغام دردناک مواجه می‌شوید «به علت عدم رعایت پیش نیاز قادر به اخذ درس نیستید!» اینجاست که کاشف به عمل می‌آید استاد درس پیش نیاز هنوز نمره‌تان را در سایت ثبت نکرده!؛ و چه بسیار دانشجویانی که در انتظار ثبت نمره موهایشان از مشکی پر کلاغی به رنگ برف‌های

خدا لعنت کند کسانی را که نمی‌گذارند دانشجوی ما سیاسی باشد



چرا به ما نگفتید؟! فاطمه نام آور

دوباره دهه فجر فرارسید و ما را به حال و هوای مرور اتفاقات سال پنجاه و هفت برد؛ این روزها از خودم می‌پرسم اگر من هم آن سال‌ها بودم به آیتا... خمینی لبیک می‌گفتم و می‌شدم دانشجوی خط امام یا مدافع شاه و سیاست‌هایش می‌ماندم؟

اگر این سوال را بین مردم هم مطرح کنید احتمالاً باشک و تردید پاسخ بدهند، حق هم دارند، به جیب و سفره‌شان نگاهی می‌اندازند و با تصویر روایی که از دوران شاه برایشان ساخته شده مقایسه می‌کنند و بدیهی است با قاطعیت پاسخ ندهند.

وقتی از رسانه‌های آن‌ور آب گرفته تا بعضی از اساتید دانشگاه‌های خودمان به انقلاب و آرمان‌هایش حمله می‌کنند و اینجا کسی آنطور که باید حتی از ثمرات و برکات انقلاب حرفی نمی‌زند، شک در پاسخ دادن به این سوال دور از انتظار نیست.

مگر چقدر برایمان از تاریخ گفته اند؟ تصور بسیاری از ما از دوران شاه شبیه

همان فیلم‌های بظاهر شیکی است که شبکه‌ی منحل شده‌ی من‌وتو پخش کرده، همان چند خیابان تمیز و مردان و زنانی با لباس‌های اروپایی! برای ما از آن دوران نگفتند که امروز قضاوت برایمان با شک و تردید همراه است؛ اگر آن زمان که شبکه‌های سلطنت طلب از دوران شاه زیبایی‌هایی اندک و بعضاً ساختگی به خوردمان می‌دادند، در مدارسمان تاریخ دوران پهلوی شرح داده می‌شد اکنون برداشتمان از آن دوران انقدر دور از واقعیت نبود.

اگر اینکه روزی در این مملکت ارزش سگ‌آمریکایی بیشتر از شهروند ایرانی بوده را به گوش مردم رسانده بودیم اکنون ارزشی که انقلاب به مردم داده محل تردید نبود.

اگر از شدت خفقان زمان شاه و ترس از مطرح کردن بعضی حرف‌ها حتی در خصوصی‌ترین جمع‌ها برایمان گفته بودند، درک آزادی‌های پس از انقلاب برایمان راحت‌تر بود. اگر از جنایات ساواک برای جوان دهه هشتادی گفته بودیم آنوقت در فتنه‌ها براحتی تحت تاثیر ایوزوسیون و سلطنت طلب قرار نمی‌گرفت.

اگر به دخترانمان می‌گفتیم که اوج ارزش دادن به زن‌ها در پیش از انقلاب استفاده ابزاری در تبلیغات

بوده و شاه مملکت زنان را شیطان و مکار می‌دانسته ارزشی که به برکت انقلاب برای زنان و دختران این سرزمین بوجود آمده را عمیقاً درک می‌کردند.

اگر از دخالت‌های دائمی و سرنوشت ساز آمریکا و انگلیس و دیگر ممالک در مسائل ریز و درشت گفته می‌شد، استقلال پس از انقلاب برایمان ملموس‌تر بود و حق انتخاب در امور مهم و سرنوشت ساز کشور به مذاقمان خوش‌تر می‌آمد.

اگر ماجرای شوهر دادن بحرین را به گوش نسل جوان می‌رساندیم ارزش حفظ تمامیت ارضی پس از انقلاب را عمیقاً درک می‌کرد.

اگر گفته بودیم روزی در این مملکت مردم برای عزاداری و برگزاری مراسم‌های مذهبی هم تحت فشار بودند دیگر کسی نمی‌توانست دوران پهلوی را دوران آزادی بنامد.

اگر وضعیت نظامی، علمی و بهداشتی مردم در آن دوران را بیان کرده بودیم درک شیرینی پیشرفت‌های امروز جامعه در زمینه‌های مذکور برایمان راحت‌تر بود.

خلاصه که اگر ما کاپیتولاسیون، اصلاحات ارضی، تلاش برای به فساد کشاندن جامعه، وضعیت اسفناک مردم در حلبی آبادها، چوب حراج زدن

به منابع ملی، جنایات شانزده آذر و پانزدهم خرداد و کشتار هفدهم شهریور، تحقیرهای مکرر توسط خارجی‌ها و فسادهای مالی و اخلاقی این خاندان شوم و هزار مورد ریز و درشتی که مردم را بر آن داشت تا انقلابی را رقم بزنند بیان کرده بودیم و برای نسل جوان شرح داده بودیم اکنون نه تنها ارزش کار امام خمینی (ره) و پیروانش برایمان ملموس‌تر بود بلکه مطمئن بودیم اگر آن روزها ما هم حضور داشتیم راهی جز پیروی از امام انتخاب نمی‌کردیم.

ما باید آنچه که در گذشته رخ داده را می‌دانستیم تا ارزش سال‌ها مجاهدت را درک کنیم و در جهت تحقق آرمان‌هایی که روزی بزرگ‌ترهایمان برایش یکی از بی‌نظیرترین انقلاب‌های تاریخ را رقم زدند سست و نا امید نشویم و امروز وظیفه‌ی خود بدانیم که بیش از هر زمان دیگری از اصل انقلاب دفاع کنیم و به سهم خودمان در رسیدن به آن آرمان‌ها تلاش کنیم، ولو اینکه بسیاری از مواقع به ضعف‌های نظام واقفیم و حتی منتقد به بعضی شرایط و اتفاقات هستیم ولی در اینکه اصل انقلاب و نظام برایمان ارزشمند و قابل دفاع است دچار تردید نشویم و دانشجوی پیرو خط امام باقی بمانیم.

از شما دعوت می‌شود!

نشریه تسنیم به عنوان یکی از سابقه‌ترین نشریات دانشگاهی کشور همیشه سعی داشته تا صدای دانشجو باشد و کارنامه‌ای درخشان را ساخته و پرداخته است. دانشجویانی که در این سالها در تیم نشریه بود اند همیشه بدور از محافظه‌کاری و منفعت طلبی عمل کردند. یک نشریه‌ی دانشگاهی از دل دانشجو شکل می‌گیرد و با دانشجوها پیش می‌رود و حال ما در دوران دانشجویی‌مان میتوانیم

منافق ما هستید که بدتر از کفارند

دست به دست هم دهیم و با کمک یک دیگر، قوی‌تر از قبل مسیرهای روشنگری و گفتگو را پیش ببریم. از این رو نشریه تسنیم از شما دعوت میکند تا در بخشهای زیر به ما کمک کنید :

تیم تحریریه | طراحی | ویراستاری | مدیریت رسانه

برای ارتباط با ما به آیدی زیر در تلگرام پیام دهید :

@Tasnimshahed_Ad